

گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

موضوع:

بررسی راهبردی فرصت‌ها و تهدیدهای برجام

بر

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شهریور ماه ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی راهبردی فرصت‌ها و تهدیدهای برجام بر امنیت ملی

اشاره

برجام از منظرهای مختلف مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است، اما کمتر از منظر فرصت‌ها و تهدیدات به این موضوع نگاه شده است. نگاه فرصت و تهدیدی به برجام ضمن اینکه می‌تواند نگاه راهبردی به موضوع دهد، ماهیت مدیریت نیز پیدا کرده و در مهار و کنترل و خنثی‌سازی چالش‌ها و تهدیدات امنیت و منافع ملی و منافع مفید و مؤثر خواهد بود. در این جا تهدید به معنای هر چیزی که ثبات و امنیت یک واحد سیاسی را به خطر اندازد، یا به هر اقدام و تحرک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می‌شود که موجودیت و اهداف کشوری را به خطر بیندازد. فرصت‌ها نیز به معنای وجود زمینه یا شانس مطلوب در محیط بیرونی برای یک واحد سیاسی است که از طریق بهره‌برداری آن، می‌توان به نتایج یا عواید قابل توجهی دست یافت. همچنین به شرایطی گفته می‌شود که به کشورها این توانایی را می‌دهد که با بهره‌گیری صحیح از آنها، اهداف ملی خود را کسب و تهدیدات را دفع نمایند. بر این اساس با نگاه راهبردی به برجام، این سؤال مطرح می‌شود که برجام دارای چه فرصت‌ها و تهدیداتی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است؟

۱- مبانی مفهومی و نظری

۱-۱- **مبانی مفهومی:** امنیت ملی متغیر وابسته در این بررسی محسوب می‌شود که برجام به عنوان متغیر مستقل تأثیرگذار بر آن است. بنابراین امنیت ملی نیاز به تعریف دارد. به طور کلی امنیت مفهومی است که متوجه یک پدیده و اصل اساسی است و آن حفظ وجود خود می‌باشد. در این معنا حفظ وجود خود یعنی کسب امنیت. حفظ امنیت غالباً و در وهله نخست معطوف به حفظ بقا و موجودیت خود به عنوان بالاترین منفعت است.^۱ در این چارچوب امنیت ملی (Security National) نیز «... شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم،

^۱ - مرادیان، محسن (۱۳۸۹) شاخص‌های امنیت خارجی ج.۱.۱. و طراحی مدلی برای سنجش آن، تهران: دانشگاه دفاع ملی، ص ۵۶

شهروندان و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.^۲ این نکته حائز اهمیت است که امنیت ملی دارای ابعاد موسعی است که شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، فناورانه، زیست محیطی و نظامی و امنیتی ... می شود.

۲-۱- مبانی نظری: مبانی این بحث بر چند گزاره مبتنی است:

۲-۱-۱- پدیده‌های سیاسی ترکیبی از تهدیدات و فرصت‌ها هستند. یعنی تهدید هویتی واحد و متصلب ندارد.

۲-۱-۲- مکمل این گزاره، این است که حجم تولید شده از یک رخداد با حجم فرصت‌های ناشی از ناحیه مدیریت مناسب تهدید و تبدیل آن به فرصت نسبتی مستقیم دارد. یعنی فرصت‌های بزرگ مبتنی بر ریسک‌های بزرگ و تهدیدات بزرگ متضمن فرصت‌های احتمالی بزرگ هستند. براین اساس این اصل مدیریتی تداعی می کند که تهدیدات در صورت مدیریت می توانند فرصت‌سازی در سطح و اندازه‌ای مشابه با تهدید اولیه به دنبال داشته باشند.

۲-۱-۳- از آن جا که ظرف توانمندی و گزینه‌های پیش روی توانمندی هر بازیگر محدود می باشد هر چه تهدید شدیدتر و قوی تر باشد، میزان فرصت بازیگر در قیاس با مجموعه امکاناتش کمتر می شود. به همین ترتیب، هر چه توان فرصت سازی پدیده مورد نظر بالاتر باشد احتمال تهدیدزایی آن کمتر می شود. معنا و مفهوم اساسی این گزاره این است که گستره فرصت‌ها یا تهدیدات در هیچ حالتی به صفر تبدیل نخواهد شد. هیچ تهدیدی را نمی توان سراغ گرفت که در قیاس با توان ملی بازیگر، تمام گزینه‌های فرصت ساز را بر روی وی سد کرده باشد. چنانکه هیچ فرصتی را نمی توان سراغ گرفت که زمینه بروز تهدیدات احتمالی را نفی نموده باشد.^۳

۲- چالش‌ها و تهدیدات

چالش عبارت است از «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت ساز می سازد.» تهدید نیز به معنای هر چیزی است که ثبات و امنیت یک واحد سیاسی را به خطر اندازد، یا به هر اقدام و تحرک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می شود که

^۲ - ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره های متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۲۴

^۳ - افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، صص ۱۹-۲۶

موجودیت و اهداف کشوری را به خطر بیندازد. به عبارت دیگر مفهوم تهدید به توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمن بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به نحوی که نیل به علائق و مقاصد به خطر بیفتد، تعریف شده است. اظهارات مقامات آمریکا نیز بیانگر این مهم است که آنها انتظارات ویژه‌ای برای پس از برجام دارند. رهبر معظم انقلاب نیز به این نیت آمریکایی‌ها اشاره کرده و فرمودند: «از جمله‌ی حرفهایی که می‌زنند و ما را حساس می‌کند، این است که می‌گویند برجام فرصتهایی را -هم در داخل ایران و هم در بیرون از ایران و در منطقه- در اختیار آمریکا قرار داده؛ این را آمریکایی‌ها می‌گویند و جزو حرف‌های آنها است.» با این حال، چالش‌ها و تهدیدات برجام را از دو منظر می‌توان مورد بررسی و امعان نظر قرار داد.

الف) چالش‌ها و تهدیداتی که ناشی از متن و محتوای برجام است (چالش‌های درون برجامی)

ب) چالش‌ها و تهدیداتی که از طریق برجام (تهدیدات برون برجامی) متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی است.

۱-۲- چالش‌های درون برجامی:

چالش‌های درون برجامی، چالش‌هایی را شامل می‌شود که محتوای توافق وین ممکن است بر امنیت ملی ج.ا.ایران وارد سازد. اگرچه تحلیل گران از منظرهای مختلفی به چالش‌ها و قوت‌های درون برجامی پرداخته‌اند، اما کمتر در نسبت آن با امنیت ملی مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر همه ضعف‌ها ناشی از متن برجام را نمی‌توان چالش‌های مربوط به امنیت ملی ذکر کرد. آن دسته از ضعف‌هایی که دشمن می‌تواند با توسل به آنها چالش‌سازی نماید، ماهیت چالشی پیدا کرده و امکان خدشه بر امنیت ملی را دارد. با این بحث به معنای انکار قوت‌ها در برجام نیست.

۱-۱-۲- چالش اطلاعاتی- امنیتی: مهم‌ترین چالش اطلاعاتی و امنیتی ناشی از برجام از ناحیه

بازرسی‌های آژانس و پروتکل الحاقی است. نظارت و بازرسی‌هایی که در برجام پیش‌بینی شده این امکان را می‌تواند فراهم سازد که اسرار برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران افشاء شود. البته مذاکره کنندگان استدلال می‌کنند که این اتفاق نخواهد افتاد. مثلاً عراقچی می‌گوید: «آنچه... مطرح است... دسترسی‌هایی است که در چارچوب پروتکل الحاقی داده می‌شود و چیزی فراتر از آنچه آژانس با بقیه کشورها اجرا می‌کند، مد نظر نبوده و نیست... هیچ گونه دسترسی به مراکز

نظامی در دستور کار نیست». این موضوع در بیانیه‌ای که وزارت امور خارجه کشورمان بلافاصله پس از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ صادر کرد، مورد توجه قرار گرفت «...از آنجا که هرگز هیچ گونه فعالیت هسته‌ای در هیچ یک از تأسیسات نظامی وجود نداشته و نخواهد داشت، جمهوری اسلامی ایران اطمینان دارد چنین تأسیساتی موضوع درخواست بازرسی نخواهند بود...» با این سؤال اساسی مطرح می‌شود که چرا اکثر کشورهای صاحب فن آوری هسته‌ای بویژه قدرت‌های هسته‌ای مانند آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین پرتکل الحاقی را با تحفظ پذیرفته اند؟ تردیدی نیست که آنچه این کشورها را به سمت تحفظ در پروتکل کشانده است، نگرانی اطلاعاتی و امنیتی است که از ناحیه بازرسی‌های آژانس دارند. این درحالی است که ایران آن را بدون هیچ گونه حق شرطی در ۸ سال اول توافق به صورت داوطلبانه و سپس با تصویب مجلس به عنوان یک تعهد قانونی پذیرفته است. انتظار آمریکایی‌ها از برجام نیز مؤید این نکته است. بر اساس اظهار و نظراتی که آنها در مذاکرات و پس از توافق ابراز داشته‌اند، گویای این حقیقت است که آنها برای بازرسی‌های پس از برجام حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. در واقع بنا به تفسیر آنها برجام شرایطی را فراهم می‌سازد که می‌تواند حفره‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران را برای آمریکا ایجاد نماید. بر همین اساس «اوباما» اظهار داشت که ایران تحت شدیدترین بازرسی‌ها در تاریخ خواهد بود. یا «مونیز» وزیر انرژی آمریکا تأکید کرد که: راستی آزمایی و دسترسی بی‌سابقه‌ای در سند برجام وجود دارد. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کمتر از ۲۴ ساعت به سایت‌های اعلام‌نشده ایران دسترسی خواهند داشت! همچنین وی تأکید دارد که ایران ظرف حداکثر ۲۴ روز باید اجازه بازدید از تمامی نقاط مشکوک - از جمله مراکز نظامی - را فراهم کند.

یکی دیگر از پیامدهای اطلاعاتی - امنیتی بازرسی‌های ذکر شده در برجام، ناامنی متخصصین و کارشناسان هسته‌ای است. با توجه به اینکه نظارت‌ها و بازرسی‌های پذیرفته شده می‌تواند مورد سوء استفاده دشمنان انقلاب قرار گیرد، این احساس بوجود می‌آید که باردیگر دانشمندان هسته‌ای ما در معرض تهدید قرار گیرند. بویژه اینکه رژیم صهیونیستی در این بازی خود را بازنده می‌بیند انگیزه بیشتری برای ناامنی سازی کارشناسان هسته‌ای برخوردار پیدا خواهد کرد.

۲-۱-۲- چالش امنیتی - دفاعی: دومین چالش امنیت ملی از ناحیه محتوای برجام، مربوط به حوزه امنیتی - دفاعی است. در این رابطه چند نکته اساسی یا نقاط آسیب‌ساز وجود دارد.

یکی از آنها، چالش‌های ناشی از بازرسی‌ها و افشای اطلاعات مراکز نظامی و یا چالش سازی حوزه نظامی است. اگرچه تیم هسته‌ای استدلال می‌کنند که بازرسی شامل مراکز نظامی نخواهد شد و اگر به این حوزه کشانده شود، مدیریت شده خواهد بود. با این حال این بیان و یا بازرسی‌های تعریف شده در پروتکل الحاقی بیانگر این موضوع حساس است که برجام از حیث محتوا دارای استعداد و امکان سوء استفاده غربی‌ها بویژه آمریکا برای کشاندن بازرسی‌ها به حوزه نظامی و با هدف بالا بردن دسترسی‌های اطلاعاتی خود در این حوزه باشند. چنانچه جان کری به صراحت اظهار داشت که: «ما از اطلاعات آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران برای اقدامات احتمالی نظامی استفاده می‌کنیم.» سپس سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید «جاش ارنست» در نشست خبری با تأکید بر اینکه یکی از مزایای بازرسی از ایران، افزایش اطلاعات در مورد اهداف احتمالی و بالا رفتن دقت به هنگام اقدام نظامی در ایران خواهد بود تأکید کرد: «نکته کلیدی این است که (پس از توافق) گزینه نظامی تقویت هم می‌شود، چراکه طی این سال‌ها ما جزئیات بیشتری از برنامه هسته‌ای ایران جمع‌آوری خواهیم کرد». این اظهارات به گونه‌ای بود که با واکنش ایران روبرو شده و سفیر و نماینده دائم کشورمان در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ارسال نامه‌ای به مدیرکل آژانس رسماً نسبت به اظهارات جان کری و سخنگوی کاخ سفید اعتراض و از سوء استفاده احتمالی و یا درز اطلاعات از آژانس به بیرون هشدار داد.

دومین چالش در حوزه نظامی - دفاعی، مربوط به برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران است. اگرچه عراقچی تأکید دارد که موضوع برنامه‌ها و فعالیت‌های موشکی ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ ذکر شده و در برجام اشاره نشده است. فلذا نقض آن به منزله نقض برجام نخواهد بود. و خطری را متوجه ایران نخواهد کرد. هرچند این یک واقعیتی است که تیم هسته‌ای بر آن تأکید دارند، اما حقیقت امر این است که طرح موضوع موشک‌های بالستیک در قطعنامه همچنان می‌تواند سایه تحریم‌ها یا حتی تهدیدات علیه ایران را همچنان حفظ نماید. وجود این موضوع در قطعنامه به معنای وجود بهانه‌هایی است که می‌تواند امنیت ملی را مورد مخاطره قرار دهد.

۳-۱-۲- چالش امنیتی - اقتصادی: از اهداف برجام این است که امنیت اقتصادی که از ناحیه تحریم‌ها در معرض خطر قرار گرفته، حفظ شود. اما محتوای برجام و قطعنامه بیانگر این نکته است که این چالش به طور کامل محو نشده است. در واقع چالش سازی اصلی قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام آنجاست که سایه بازگشت قطعنامه‌های ششگانه ظالمانه علیه ایران را تا ۱۰ سال حفظ

کرده و باقی گذاشته است. این موضوع یکی از موارد ضعف و چالش ساز قطعنامه است که اگر یکی از این طرف‌ها (گروه ۵+۱) به این عقیده برسد که به عنوان مثال طرف دیگر نقض تعهد کرده است، مثلاً ایران متهم به نقض تعهد شود آن موقع می‌توانند روندی را شروع کنند که این روند اگر با ایست از طرف شورای امنیت مواجه نشود منجر به لغو شرایط بعد از برجام می‌شود. در واقع قطعنامه‌های تحریمی مشمول محدودیت زمانی و بعضاً فنی شده‌اند، اما محو نشده‌اند. البته موضوع بازگشت‌پذیری برای هر دو طرف در نظر گرفته شده است. اما اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل نکند شکایت احتمالی ایران در کمیسیونی بررسی می‌شود که ایران در اقلیت است و از این نظر سایه تحریم‌ها برای ایران همچنان باقی می‌ماند. با این حال، ماده ۱۲ قطعنامه همواره یک دروازه‌ی بازی است که امکان بازگشت فصل هفتم منشور ملل متحد و ماده ۴۱ فصل هفتم را حفظ کرده است.

یکی دیگر از چالش‌های امنیتی - اقتصادی، نحوه لغو تحریم‌ها است. آنچه در برجام آمده است و آنچه مقامات آمریکایی اظهار می‌دارند این معنا و مفهوم را بازتاب می‌دهد که این موضوع پس از برجام یکی از چالش‌های اساسی خواهد بود. این نکته اساسی مورد توجه رهبر معظم انقلاب گرفت و در خطاب به دولت فرمودند: نشستیم مذاکره کردیم، در بعضی از موارد کوتاه آمدیم، یک امتیازاتی دادیم، عمدتاً برای این بود که تحریم‌ها برداشته بشود؛ اگر بنا است تحریم‌ها برداشته نشود، پس معامله‌ای وجود ندارد، دیگر اصلاً این معنا ندارد. مسئولین این را باید مشخص کنند و نگویند که مثلاً او برای قانع کردن رقبای داخلی خودش این حرف را می‌زند... بالاخره [تحریم‌ها] باید برداشته بشود، توقف تحریم نداریم، تعلیق تحریم نداریم؛ اگر آنها تعلیق می‌کنند، خوب پس ما هم اینجا تعلیق می‌کنیم، اگر این جور است ما اقدام اساسی روی زمین چرا انجام بدهیم؛ بنابراین [منظور] لغو تحریم‌ها است. البته در بعضی از موارد گفتند که لغو دست دولت آمریکا که طرف مذاکره‌ی ما است، نیست؛ آنها را گفتند که متوقف می‌کنیم و از حقوق قانونی خودمان استفاده می‌کنیم و کارهایی از این قبیل؛ اما آن چیزهایی که دست خود دولت آمریکا است یا آنچه دست دولت‌های اروپایی است، آنها به‌طور کامل [باید برداشته شود].

۲-۲- چالش‌ها یا تهدیدات برون برجامی:

چالش‌ها یا تهدیدات برون برجامی، تهدیداتی است که از طریق برجام و پسا توافق توسط آمریکا و غربی‌ها امکان اجرایی و عملیاتی شدن دارد. مهم‌ترین و مرکز ثقل تهدید برون برجامی همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«آن‌ها به خیال خودشان، در این جریان مذاکرات هسته‌ای - این توافقی که حالا نه در اینجا هنوز تکلیفش معلوم است، نه در آمریکا... نیت آن‌ها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ما این راه را بستیم و این راه را به طور قاطع خواهیم بست؛ نه نفوذ اقتصادی آمریکایی‌ها را در کشورمان اجازه خواهیم داد، نه نفوذ سیاسی آن‌ها را، نه حضور سیاسی آن‌ها را، نه نفوذ فرهنگی آن‌ها را؛ با همه توان - که این توان هم بحمدالله امروز توان زیادی است - مقابله خواهیم کرد؛ اجازه نخواهیم داد. در منطقه هم همین‌جور؛ در منطقه هم آن‌ها می‌خواهند نفوذ ایجاد کنند؛ حضور برای خودشان دست و پا کنند و اهداف خودشان را در منطقه دنبال کنند».

اعمال نفوذ یکی از اشکال رفتار سیاسی و امنیتی قدرت‌ها و به عنوان جنبه‌ای از قدرت ابزاری برای رسیدن به هدف است. نفوذ بر حسب شدت به نفوذ عمودی و افقی تقسیم می‌شود. نفوذ عمودی، میزان اعمال قدرت و دخل و تصرفی است که بر پایه قدرت سیاسی و نظامی انجام می‌گیرد و در مقابل، نفوذ افقی با گسترش روابط و بدون بهره‌گیری از قدرت نظامی حاصل می‌شود. (فیضی، ۱۳۷۶: ۱۷۵-۱۳۹) با این حال، روش‌های گوناگونی برای نفوذ وجود دارند. بر اساس هشدارهای مقام معظم رهبری، آمریکا از طریق برجام یا به بهانه این توافق سعی در توسعه نفوذ خود از طرق مختلف دارد.

۲-۲-۱- نفوذ سیاسی با هدف جابجایی قدرت: یکی از تهدیدات پسا برجام، نفوذ در حوزه سیاسی

است. مواضع مقامات آمریکایی و مراکز اندیشه‌ای این کشور مؤید این سناریو است. مقاصد کاخ سفید از نفوذ سیاسی نیز بیانگر این حقیقت است که واشنگتن از این طریق به دنبال جابجایی قدرت در ایران است. چنانچه اوباما اظهار داشت: «به نظر من تندروهایی در داخل ایران حضور دارند که فکر می‌کنند مخالفت با ما (آمریکا)، تلاش برای از بین بردن اسرائیل، ایجاد ناامنی در جاهایی مثل سوریه یا یمن یا لبنان کار درستی است. به نظر من در داخل ایران کسان دیگری هم

هستند که معتقدند این کار سازنده نیست. اگر ما این توافق هسته‌ای را امضا کنیم، این امکان وجود دارد که موضع این نیروهای میانه رو را در داخل ایران تقویت کنیم». در همین راستا، مرکز امنیت آمریکای جدید» نیز در گزارشی اعلام کرده است که: «با سرمایه‌گذاری روی توافق هسته‌ای باید به دنبال ایجاد اصلاحات سیاسی و تداوم حمایت آمریکا از فعالان حامی ایجاد اصلاحات در ایران بود.»

۲-۲-۲- نفوذ اقتصادی با هدف وابسته سازی و تنظیم رفتار: تجربه غرب به‌ویژه آمریکا طی ۳۵ سال نشان داد که استراتژی‌های نفی برنامه‌ها و نتایج استراتژی‌های توسعه منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت ملی و یا محدودسازی منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت ملی، قادر به مهار رفتار یا تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران نشده است. بنابراین در بازبینی استراتژی‌های تقابلی و تعارضی، به این نتیجه رسیدند که توسعه مناسبات اقتصادی یا درگیری‌سازی ایران در اقتصاد جهانی می‌تواند رفتار ایران را تحت نرم‌های بین‌المللی قاعده مند و متناسب با رویکردهای خود نموده و از سوی دیگر اقتصاد ایران را از فرایند خوداتکایی منحرف و به سمت اقتصاد وابسته تمایل سازند. افزون بر این تحلیل‌گران و مراکز اندیشه‌ای آمریکا بر این باورند که نفوذ شرکت‌های تجاری غربی و آمریکایی در ایران می‌تواند تأثیرات اجتماعی و فرهنگی را نیز به دنبال داشته باشد. اوباما در این رابطه تصریح دارد: «اگر آنها (ایرانی‌ها) درگیر تجارت بین‌المللی بشوند و سرمایه‌گذارانی در آنجا حاضر شوند و اقتصادشان در اقتصاد جهانی بیشتر ادغام شود، از بسیاری جهات برایشان سخت خواهد بود که رفتارهایی داشته باشند که بر خلاف نرم‌های بین‌المللی است.»

۲-۲-۳- نفوذ فرهنگی - اجتماعی: با هدف اجتماعی کردن سازش و تهی سازی آرمان‌های انقلابی نفوذ فرهنگی به صورت برنامه‌ریزی شده به ابتدای سال ۱۳۷۰ بر می‌گردد. رهبر معظم انقلاب طی دو دهه گذشته به این تهدید هشدارهایی مکرری داده‌اند، اما در جریان مذاکرات و پس از توافق وین مجدداً معظم‌له تأکید کرده‌اند که آمریکا قصد نفوذ فرهنگی از طریق برج‌ها را دارد. در واقع از نظر مقامات آمریکایی پسا برج‌ها به‌ویژه فضای روانی آن شرایطی را ایجاد خواهد کرد که می‌تواند بستری مستعد برای نفوذ از طریق برقراری ارتباط و تعامل با ایرانیان باشد. مقامات آمریکایی و مراکز اندیشه‌ای این کشور با تجزیه و تحلیل داخل ایران بویژه جابجایی نسلی داخل کشور، این موضوع را بستر مناسب برای عملیاتی کردن نفوذ فرهنگی -

اجتماعی با هدف تهی سازی آرمان های انقلاب و تضعیف و زایل کردن روحیه استکبارستیزی جامعه ایرانی تلقی کرده اند. جان کری تصریح دارد: «گذشت ۱۵ سال می تواند تغییرات زیادی در ایران ایجاد کند... من چنین چیزی را نمی توانم تضمین بدهم. باور من این است که در ۱۵ سال، در یک کشور اتفاقاتی می افتد. اگر به ایران امروز نگاه کنید، می بینید که کشوری دارای مردمی با تحصیلات است که پیشتر با همه کشورهای منطقه از جمله اسرائیل روابطی دوستانه داشت. می دانید که سرزمین پارس، تاریخی طولانی دارد و واقعیت این است که این جوانان که ۲۵ درصد آنان بیکار هستند، آینده می خواهند. اگر به تهران بروید، من نبوده ام ولی دوستان من که رفته اند به من گفته اند که جوانان به دنبال گoshi های هوشمند هستند و می خواهند بخشی از دنیا باشند. من نمی دانم تا ۱۵ سال دیگر چه اتفاقی می افتد جز اینکه می دانم اتفاقات زیادی روی می دهد».

۴-۲-۲- نفوذ امنیتی - اطلاعاتی با هدف تضعیف توانایی های نظامی: پیدا کردن حفره های امنیتی و اطلاعاتی و محمل های نفوذ در ایران همواره از آرزوهای سازمان های جاسوسی آمریکا بوده است. این سازمان های بارها اعتراف کرده اند که یکی از عوامل شکست برنامه ها آنها در داخل ایران عدم حضور در ایران بوده است. در حال حاضر مقامات آمریکایی یکی از دستاوردهای برجام را پیدا شدن محمل هایی برای نفوذ امنیتی در داخل ایران دانسته اند. آستین لانگ (Austin Long) مشاور امنیتی ارتش آمریکا و نیروهای چند ملیتی در حمله به عراق و همکار با مؤسسات و اندیشکده های مطالعاتی از جمله موسسه RAND در دانشگاه های کلمبیا اظهار داشت: «من سال های زیادی از دهه گذشته را صرف ارزیابی گزینه های نظامی علیه ایران نموده ام. و هزینه ها مزایا و همچنین عواقب احتمالی این اقدامات را بررسی کرده ام. من در مباحث قبلی ام گفته بودم که هرگونه حمله نظامی باید به سؤال نهایی بازی پاسخ دهد و آن این است که نتیجه بلند مدت یک حمله نظامی علیه ایران چیست؟ در حال حاضر و با توجه به متن به توافق رسیده این توافق علاوه بر افزایش مزیت های نسبی حمله نظامی علیه ایران، منجر به کاهش هزینه های این اقدام در شرایطی که ایران اقدام به تلاش برای شکستن نقطه گریز نماید خواهد شد همچنین این توافق پاسخگوی سؤال نتیجه بازی نهایی خواهد بود».

۵-۲-۲- نفوذ منطقه ای با هدف مهار قدرت منطقه ای ایران: شرایط منطقه ای آمریکا در منطقه تا قبل از برجام از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و یکی از دلایل آن را راهبردهای منطقه ای ایران و

سیاست غلط کاخ سفید می‌دانند. اوباما و تیم وی بر این باورند که می‌توان از طریق برجام مشکلات منطقه‌ای خود را حل و نفوذ خود را در منطقه افزایش و در عین حال، موقعیت ایران را تضعیف نمایند. یکی از اهدافی که کاخ سفید با توسل به برجام سعی دارد در منطقه دنبال کند، تغییر موازنه دوستان منطقه‌ای خود در برابر ایران است. چنانچه جان کری تأکید دارد: ما مصمم هستیم دوستان خلیج (فارس) ما حمایت مورد نیاز سیاسی و نظامی را داشته باشند و به همین منظور ما در حال همکاری با آنها برای ایجاد سامانه دفاع موشکی بالستیک در شبه جزیره عرب و فراهم کردن آموزش برای عملیات ویژه، اجازه انتقال فوری تسلیحات، تقویت امنیت مجازی و ورود به رزمایش بزرگ نظامی و افزایش جلوگیری از انتقال غیرقانونی تسلیحات ایران هستیم». با این وجود این نکته حائز اهمیت است که منطقه از ناحیه برجام به شدت متاثر شده است.

الف) اینکه توافق یک شوک منطقه‌ای وارد کرد،

ب) آن که منطقه هنوز این اتفاق را هضم نکرده است و آمادگی هضم آن را ندارد

ج) عده‌ای تلاش دارند تا جایگاه منطقه‌ای ایران را به عنوان یک تهدید بین‌المللی جایگزین تهدید هسته‌ای کنند و این سه گزاره به پیچیده تر شدن وضعیت منطقه منجر شده است.^۴ و از این ناحیه پس از برجام شاهد چالش‌هایی خواهیم بود.

۳- فرصت‌ها

فرصت‌ها به معنای وجود زمینه یا شانس مطلوب در محیط بیرونی برای یک واحد سیاسی است که از طریق بهره‌برداری آن، می‌توان به نتایج یا عواید قابل توجهی دست یافت. همچنین به شرایطی گفته می‌شود که به کشورها این توانایی را می‌دهد که با بهره‌گیری صحیح از آنها، اهداف ملی خود را کسب و تهدیدات را دفع نمایند. همان گونه که در بخش تهدیدات ذکر شد، فرصت‌ها نیز از این منظر قابل بررسی است. فرصت‌های ناشی از متن برجام و فرصت‌هایی که از طریق برجام امکان تولد و ایجاد دارد، عبارتند از:

۳-۱- فرصت‌های اقتصادی: اگرچه فضای روانی برجام قابل بهره‌برداری از سوی آمریکا و جریان‌های غرب‌گرا در داخل کشور است، اما این فضا، برای جمهوری اسلامی ایران نیز فرصت مهمی

^۴ - محمد کاظم سجاد پور (۱۳۹۴/۶/۵) تاثیر توافق هسته‌ای بر عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه

بشمار می‌آید. در صورتی که این فضا به خوبی مدیریت شود می‌تواند دستاوردهای خوبی برای نظام داشته باشد. از این شرایط می‌توان برای شکسته شدن فضای روانی حاکم بر مناسبات ایران با کشورها و بوجود آمدن فصل جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی و شکل دادن همکاری‌ها و روابط جدید اقتصادی بدون آمریکا بهره‌برداری کرد. همچنین فراهم شدن فضای روانی قابل فرصت‌سازی برای ثبات بیشتر اقتصادی و کاهش هزینه‌های برخی از فعالیت‌های اقتصادی است. در عین حال، فضای پسا برجام در صورت تدبیر درست می‌تواند برای تحکیم ساخت درونی قدرت با برنامه‌ریزی دقیق، عملیاتی و کاربردی اقتصادی مقاومتی مورد استفاده قرار داد.

۲-۳- فرصت‌هایی برای صنعت هسته‌ای: برجام از یک سو محدودیت‌هایی را بر صنعت هسته‌ای ایران تحمیل می‌کند در عین حال، برنامه ریزی صحیح در این زمینه می‌تواند فرصت‌های دانشی جدیدی را نیز فراهم سازد. بوجود آمدن زمینه همکاری‌های گسترده بین‌المللی با ایران در خصوص انرژی هسته‌ای، ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، راکتورهای تحقیقاتی، ساخت سوخت مطمئن و... بخشی از این فرصت‌سازی‌ها است. صالحی معتقد است «ما در مسأله توافق و موضوع برجام به این نتیجه رسیدیم که اگر مسائل فنی به آنگونه که نوشته شده، پیش برود نه تنها چیزی را در حوزه هسته‌ای از دست نمی‌دهیم، بلکه فرصت‌های جدیدی برای توسعه و فناوری این حوزه و همکاری‌های بین‌المللی ایجاد شده و فعالیت‌ها گسترده‌تر و سریع‌تر به پیش می‌رود». برخی از مقامات آمریکایی نیز بر این باورند که ایران با سپری شدن زمان توافق به یک قدرت آستانه‌ای تبدیل خواهد شد. به عنوان نمونه مک کین در این رابطه می‌گوید: «این توافق ایران را پس از یک دهه، به عنوان «یک کشور در آستانه هسته‌ای با توان صنعتی» به رسمیت می‌شناسد»

۳-۳- فرصت عمق بخشی استراتژیک: اگرچه آمریکا سعی دارد از برجام برای محدودسازی عمق استراتژیک ایران استفاده نماید^۵، در عین حال، جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با آزادسازی انرژی و توان دیپلماسی خود از موضوع هسته‌ای، با تمرکز بر حوزه‌های منطقه‌ای عمق استراتژیک ایران را تقویت نماید. البته این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که نفوذ منطقه‌ای ایران

^۵ - به عنوان نمونه کارشناسان معتقدند که بند ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ عملاً هدفش مهار ایران در دو حوزه عمق استراتژیک و حوزه توسعه‌ای است یعنی اینکه مهار ایران را از لحاظ توسعه‌ای داشته باشند که ایرانی‌ها به اهداف چشم انداز یعنی اول شدن در حوزه‌های اقتصادی، دفاعی و غیره نرسند و این واقعیتی است که وجود دارد. این مهم‌ترین حوزه چالش در آینده بین ایران و ۵+۱ کنونی و یا به عبارتی قدرت‌های روز دنیا است، بنابراین حتماً ایران باید استراتژی لازم را داشته باشد تا این موضوع منجر به تضعیف اقتدار و رقابت ایران در حوزه توسعه‌ای و عمق استراتژیک نشود

به قبل از برجام بر می‌گردد و خود علتی برای کشاندن مقامات کاخ سفید به میز مذاکره محسوب می‌شود. شاهد این بحث مواضع عموم کارشناسان و رسانه‌های غربی است. به عنوان نمونه راشل آوراها، سردبیر «جورنال آنالین»، می‌گوید ایران سلطان جدید خاورمیانه است. سناتور راند پال، یکی از نامزدها احتمالی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا، معتقد است: «ایران در سراسر منطقه نفوذ و هژمونی دارد». فرید زکریا، تحلیل‌گر سیاسی در آمریکا، می‌گوید: «نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا با نفوذ ویژه ایران قابل مقایسه نیست». یوشکا فیشر ایران را «بزرگ‌ترین برنده‌ی رقابت برای گستره نفوذ در منطقه غرب آسیا می‌داند». کیسینجر از «شکل‌گیری امپراتوری ایران در منطقه‌ی غرب آسیا» می‌گوید و برژینسکی «اعتبار و نفوذ ایران در منطقه را بسیار بیشتر و قوی‌تر از ده سال پیش می‌داند». اندیشکده «امریکن اینتر پرایز» در گزارشی تفصیلی، به نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان، مصر، فلسطین و افغانستان اشاره کرده و می‌نویسد: «ایران با اتکا به قدرت نرم خود، در کنار قدرت نظامی و اقتصادی، توانسته از سال ۲۰۰۸ به این سو، دامنه‌ی نفوذ خود در منطقه‌ی غرب آسیا را به سرعت گسترش دهد».^۶ با این وجود برجام برای آمریکا و ایران از این حیث می‌تواند محملی برای مهار ایران از سوی آمریکا یا توسعه نفوذ ایران از سوی جمهوری اسلامی باشد.

۴-۳- فرصت چالش‌سازی رژیم صهیونیستی: برجام این شرایط را برای دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است تا صهیونیستی هراسی را بر مبنای برنامه‌های هسته‌ای آن در دستور کار خود قرار دهد. ایران در چنین شرایطی موقعیت نافذتری برای فشار بر رژیم صهیونیستی از طریق مجمع عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل پیدا کرده است. با این حال، این فرصت را کارشناسان غربی به اشاره کرده‌اند. از جمله پیتز جنکینز، دیپلمات سابق انگلستان و نماینده سابق این کشور در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل، در یادداشتی در سایت لوب‌لاگ به موضوع سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل [غاصب] نوشت که با به ثمر رسیدن توافق هسته‌ای ایران، می‌توان بار دیگر برای خاورمیانه [غرب آسیا] عاری از سلاح هسته‌ای تلاش کرد، چراکه تنها بهانه اسرائیل در این خصوص - که همواره از این طریق به هراس افکنی در منطقه می‌پرداخت - برنامه هسته‌ای ایران بود که با تعامل ایران با قدرت‌های جهانی، این بهانه نیز از میان رفت.

^۶ - علی رضا رضاخواه (۱۳۹۳/۱۰/۲۷) مختصات نفوذ منطقه‌ای ایران در موج سوم تحولات بین‌الملل، <http://jahannews.com>

نتیجه‌گیری

اگرچه تهدیدات و فرصت‌های زیادی از ناحیه برجام یا از طریق این توافق پیش روی جمهوری اسلامی ایران است، اما آنچه حائز اهمیت است این است که بر اساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب نباید عوامل غیر مادی و نافیزیکی را در دستیابی به اهداف نادیده گرفته شود. چنانچه فرمودند: «در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان - که دشمنان ما شب و روز نمی‌شناسند - ما هم بایستی شب و روز شناسیم و همه آماده باشیم. و وعده الهی هم راست است؛ خدای متعال وعده‌اش راست است، ما سوءظن به وعده الهی [نباید داشته باشیم]. یک‌بار من اینجا عرض کردم که باید به خدا پناه ببریم و سوءظن به وعده الهی [نداشته باشیم]. خدای متعال لعنت کرده؛ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا یعنی خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوءظن داشته باشند. حُسن ظن به خدا این است که وقتی می‌گوید که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، این را باور کن؛ این حسن ظن به خدا است؛ وقتی می‌فرماید: كَيْنَصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، این را باور کنیم. اگر حقیقتاً نیت ما نصرت دین الهی است - معنای نصرت خدا همین است - بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی در این زمینه نداشته باشیم».